

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۰۸ جون ۲۰۱۹



پیام

به مناسبت سی و نهمین سالگرد جاودانگی مجید بزرگ

در تقویم تاریخ کشور ما هژدهم جوزا روز به جاودانگی پیوستن سرو تناور آزادی و مقاومت انقلابی، "مجید" بزرگ است. همه ساله در این روز از جانبازان و جانبختگان انقلابی و آزادیخواه مردم افغانستان و در پیشاپیش شان از زنده یاد "مجید" به اشکال مختلف یادبود و گرامیداشت به عمل می آید. در ۱۸ جوزای ۱۳۵۹ شمسی خبر اعدام "مجید" از بلند گو های روس اشغالگر و رژیم جلااد پیشه "پرچمی - خلقی" اش به گوش جهانیان رسید. مردم آزادی دوست و به پاخاسته افغانستان فقدان این انقلابی بزرگ، منبع امید و وجدان بیدار توده های میلیونی خلق کشور را که خواب را از چشمان حکام سوسیال امپریالیست اشغالگر روسی و مزدوران میهن فروش و جلااد پیشه بومی اش ربوده بود؛ فاجعه ای بس عظیم و خلاء جبران ناپذیری برای جنبش انقلابی سرزمین ما و مبارزات ضد استعماری و ضد ارتجاعی توده های مردم ما خواندند؛ فاجعه ای و ضربتی که اثرات زیانبار آن تا همین اکنون بر روند مبارزات ملی، دموکراتیک و انقلابی "ساما" و آحاد جنبش انقلابی و بر حیات جمعی خلق کشور ما سخت مشهود بوده است. پس از جاودانه شدن "مجید"، سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) برای گرامیداشت از یاد، خدمات و خاطره فناپذیر این فرزند انقلاب، این روز را به نام روز یادبود از جانبازان انقلابی و آزادیخواه مردم افغانستان مسما نمود.

برای "مجید" به مثابه یک قهرمان پذیرفته شده توده ها در گستره ملی و در مقام انقلابی بزرگ، و برای رفقای همزمش، هیچ امتیازی و هیچ افتخاری بالا تر از قرار گرفتن عملی در صف توده های خلق برای آگاهی بخشیدن به زحمتکشان تحت ستم و استثمار و انسجام، بسیج و رهبری آنان برای تغییر انقلابی جامعه، نبوده است. دست یافتن به تئوری انقلابی در مرحله معینی از مبارزه و تکامل فکری - شخصیتی "مجید"، فراز متعالی و اوج این تکامل فکری است و زنده یاد "مجید" به عنوان قهرمان پذیرفته شده ملی و رهبر زحمتکشان کشور، با این تکامل فکری شناخته می شود. این انقلابی نستوه و نام آور طی یک ربع قرن با استواری تمام و بدون تزلزل، به رغم موانع، مشکلات و خطر

های عدیده برای حدادی ابزار انقلابی رزمید. اندر این راه، مجید اخلاق انقلابی را زیور و جوهر فرد مبارز انقلابی و آزادیخواه دانسته و خود شخصیت و منش خود و همزمانش را در زندگی مبارزاتی با این زیور آراسته و صیقل زده بود. این فرزند آگاه، جانباز و پاکباز خلق با پیشتازی و استواری انقلابی در مبارزه دشوار علیه دشمنان قسم خورده ملی و تاریخی زحمتکشان کشور، تمام زندگی و هستی اش را در راه تحقق آرمانی که خود آن را "آرمان گرامی زحمتکشان" می نامید و ایجاد سازمان انقلابی به مثابه گردان پیشآهنگ خلق انقلابی، وقف نمود.

"مجید" بزرگ و رفقای راهش در راه تحقق این آرمان انقلابی و آزادیخواهانه با تلفیق اندیشه های عام انقلابی با واقعیت های مشخص تاریخی و اجتماعی جامعه ما، تئوری تطبیقی را استخراج و اشکال و ابزار مبارزاتی آن را مطرح و ایجاد نمودند. آنگاه که پای خرس قطبی برای ویرانی، کشتار و غارت، به کشور ما رسید، این مجید و سامایش بود که در نقش پیشتاز جنگ ضد استعماری از موضع منافع ملی و اجتماعی خلق سلحشور افغانستان شعار حماسی "مرگ یا آزادی" را سر داده و با صفیر گلوله های رزمندگان دلیر "ساما"، جنگ آزادیبخش علیه روس اشغالگر و ایادی بومی اش را اعلام داشتند.

جنگ آزادیبخشی که توده های معترض و به پا خاسته میلیونی کشور ما در شکل خیزش های خود به خودی، آغازگر آن بودند و مجید و سامایش پیشتاز آن، در مرحله معینی با خزیدن ارتجاع فئودالی در متن و رهبری آن و کانالیزه شدنش با جنگ سرد میان دو بلاک امپریالیستی از موضع منافع استعماری رقبای امپریالیست سوسیال امپریالیسم؛ از مضمون انقلابی و آزادیخواهانه آغازینش تهی شد. هر چند اشغالگر روسی در این مصاف ده ساله به شکستش اعتراف کرد، اما پایان اشغال و پایان کار اشغالگر و مزدوران زبون "خلقی - پرچمی" اش، نه به حاکمیت مردم، بلکه به سروری خونین و ویرانگر دار و دسته اخوانی مدافع ارزش های تاریخی فئودالی (جهادی های تنظیمی و فاشیست های طالبانی) مولود و مورد حمایت امپریالیسم و ارتجاع منطقه و در نهایت، به اشغال مجدد کشور ما در اکتوبر سال ۲۰۰۱ م توسط امپریالیست های متجاوز و توسعه جوی امریکا و ناتو منجر شد؛ اشغالگرئی که طی تقریباً ۱۹ سال آزار با ماهیت سراپا استعماری و همه مصائب و تبعات ویرانگر، اسارتبار و غم انگیزش برای خلق دربند و کشور اسیر ما؛ کماکان ادامه دارد.

در مرحله اشغالگری جاری کشور ما، هر چند مبارزه، اعتراض و خشم و نفرت گسترده توده های مردم، جوانان بیکار و حرمان کشیده، نیرو های نسبتاً متشکل ملی، دموکرات و انقلابی، رسانه های بدیل و آزادیخواه روشنگر و افشاگر، شبکه های اجتماعی و روشنفکران مردمی در اشکال و در عرصه های مختلف علیه سلطه اسارتبار امپریالیسم اشغالگر، جنایت، ستم و مظالم وسیع ارتجاع همکار آن ادامه داشته است؛ ولی بنا بر دلایل متعددی که در پس منظر این تجاوز و اشغالگری نهفته است، این مبارزات اعتراضی نامتشکل تا سطح مقاومت ملی و فراز عالی مبارزه مسلحانه مردمی و انقلابی، ارتقاء نیافته است.

با این وصف، جنگ اشغالگرانه طولانی را که امپریالیست های اشغالگر امریکائی و ناتوئی (عمدتاً دول اروپائی عضو سازمان جنایتکار ناتو) در کشور ما آغاز و ادامه دادند، برای این دول و مخصوصاً رأس ائتلاف امپریالیستی اشغالگر دولت امریکا از نگاه اقتصادی و تلفات انسانی، خیلی پرهزینه بوده و است. در اساس بنا بر مبارزات اعتراضی مردم ما، اعتراض مردمان و نیرو های مترقی و ضد اشغالگری در کانون های امپریالیستی و در نتیجه رقابت شدید و تنگاتنگ دول و ائتلاف رقیب امپریالیستی و ارتجاعی در منطقه؛ امپریالیسم قدر امریکا پس از عقب نشینی همکاران ناتوئی اش، اخیراً نغمه صلح سر داده و در صدد فرار از معرکه افغانستان است. این صلح خواهی دولت امپریالیستی امریکا پس از حدود ۱۹ سال جنگ و جنایت در کشور ما با نخوت استعماری، در واقع اعتراف این اشغالگر متفرعن به

شکست محتوم و بدون چون و چرایش در افغانستان می باشد. با این اعتراف، یک بار دیگر این حکم تاریخی که "افغانستان گورستان امپراتوری ها است"، صحه یافت.

اما این اعتراف امپریالیسم اشغالگر امریکا و شرکای ناتوئی اش به شکست و عقب نشینی، در تضاد با حرص و آز استعماری و جهانخوازی این قدرت امپریالیستی توسعه طلب و شرکایش در قبال افغانستان و منطقه قرار دارد. پایان اشغالگری و سلطه استعماری مستقیم امپریالیسم اشغالگر در غیاب حاکمیت ملی و اجتماعی مردم افغانستان، به معنای ختم سلطه استعماری امپریالیسم در کشور ما نیست. این سلطه و حضور استعماری امپریالیسم می تواند در موقعیت نیمه مستعمراتی - نیمه فنودالی (اگر اشغال مستقیم افغانستان توسط امپریالیسم پایان یابد) در اشکال و عرصه های مالی، سیاسی، فرهنگی، استخباراتی و حتی نظامی، ادامه یابد.

اکنون که جنگ طولانی اشغالگرانه، ماشین جنگی امپریالیسم امریکا و شرکای تجاوزش را در کشور ما زمینگیر کرده، منابع هنگفت مالی و انسانی آن دول متجاوز را بلعیده و موجب نفرت و انزجار تمامی بشریت مترقی شده است، امپریالیست های اشغالگر بابت اغوای افکار عامه جهانی، حفظ تفرعن استعماری، لاپوشانی شکست و تداوم سیطره محتمل شان در اشکال نو استعماری در پایان احتمالی اشغالگری مستقیم امپریالیستی در "گورستان امپراتوری ها"؛ نغمه صلح با دست پرورگان خویش را سرداده اند.

صلح احتمالی مورد نظر دول امپریالیستی اشغالگر امریکا - ناتو، صلحیست میان جناح های مزدور و مرتجع قومی دولت مزدور کابل و مزدوران طالبی ساخته و پرداخته آن دول متجاوز در شکل "توحید ارتجاع بومی" و ایجاد دولت دست نشاندۀ ای از ترکیب این مزدوران مرتجع که در آن سلطه و منافع همه جانبه نو استعماری امپریالیسم، دول مرتجع طماع منطقه و سیادت طبقاتی حاکم فنودال و بورژوا - کمپرادور صیانت شود. تمامی جناح های قدرت در مرکز و حواشی دولت مزدور کابل همراه با مزدوران طالب به رغم تمامیت خواهی و فرونخواهی جناح های مرتجع قومی و منازعه برای حفظ یا تصاحب قدرت پوشالی، تا حال و آینده ها از این منافع و سیادت نمایندگی می کنند. همچو صلح تحمیلی "استعماری - ارتجاعی"ی، هیچ ربطی با منافع، آمال و نیاز های اجتماعی و تاریخی خلق تحت ستم و استثمار افغانستان ندارد، در تضاد با آنست و این منافع و علایق مردمی در یک چنین صلحی بازتاب نخواهد یافت.

کلیت دولت و نظام پوشالی ساخت اشغالگران آماج خشم و انزجار مردم افغانستان بوده و از منظر مردم ستم دیده، ولی پرغرور و آزادیخواه ما، مردود و منفور است و در حالت تجرید کامل و استیصال قرار دارد. لویه جرگه مشورتی، انتخابات به اصطلاح ریاست جمهوری، تشکیل حکومت موقت و یا هم تعویض مهره ها بر اساس کودتای درون کاخی و سائر بازی های شیدانه امپریالیسم اشغالگر و مزدوران دولتی اش، درد بی درمان نظام مستعمراتی را درمان نخواهد کرد. مزدوران طالب این مخلوق امپریالیسم و دول مرتجع منطقه، خود در نقش پروژه نو استعماری، سربازان اجبر و ابزار جنگ نیابتی دول امپریالیستی و ارتجاعی چندی عمل کرده، در قبال نیم نفوس کشور (زنان)، اقوام و دگراندیشان موضع فاشیستی داشته، به منافع ملی خیانت کرده و تا همین امروز با کلیه مظاهر دانش، ترقی و فرهنگ دشمنی ورزیده اند. بناءً، در مجموع نظام پوشالی مزدور و مزدوران فاشیست و قرون وسطائی طالبانی تا همین حالا در صف دشمنان عمده و اساسی مردم افغانستان قرار دارند.

تمامی دسته بندی های داخل و خارج رژیم مزدور وابسته به دول متعدد آزمنده امپریالیستی و ارتجاعی اند و منافع متضاد چندگانه بیرونی و درونی را بازتاب می دهند. کشتار، ستم و سرکوب کهن استعماری امپریالیسم، ستم و استثمار طبقاتی، تبعیض، نبود امنیت، بیکاری و فقر گسترده، فساد ذاتی فراگیر متداوم در دستگاه پوشالی؛ ارتجاع سیاسی و فرهنگی، کشت و ترویج مواد مخدر، نفاق افگنی قومی - مذهبی توسط استعمار و ارتجاع و... همه و همه واقعیت های

جاری روزمره جامعه اشغالی و مردم دربند کشور ما را می سازد. در شرایط فعلی - و آینده های نزدیک - افغانستان کشور بیست انباشته از تضادها و منافع متضاد گوناگون درونی و بیرونی. در متن این تضاد منافع و در جامعه ای پر از تضاد، تخاصم، ستم، استثمار و تبعیض و آماج یورش همه جانبه بیرونی؛ حتی صلح احتمالی مورد نظر دول امپریالیستی و ارتجاعی اشغالگر و غیراشغالگر که در آن اجماع نظر حاصل شده و هر یکی از غارتگران بیرونی از دریافت سهم مورد نظرش از غارت منابع کشور ما راضی باشد، میان مزدوران شان تحقق پذیر نبوده، و در صورت تحقق احتمالی، پایدار به نظر نرسیده و شکنند خواهد ماند.

به رغم این بازی های تبهکارانه تحت نام صلح، از نظر "ساما"، صلح عادلانه و دوامدار مورد نیاز مردم افغانستان، آن صلحی است که پایه ها و ستون های استوار آن را حاکمیت و آزادی همه جانبه ملی و اجتماعی خلق ستمدیده و زحمتکش کشور ما از چنگال خونچکان امپریالیسم جنایتکار امریکا و شرکای تجاوزش و سیادت ستمگرانه و استثمارگرانه طبقات ارتجاعی بومی، بسازد. صلح عادلانه نمی تواند خلاف منافع تاریخی و انقلابی مردم زحمتکش و پابرهنه ما محقق گردد. هر گونه محدودیتی که آزادی وطن و هموطن تشنه آزادی و صلح ما را در شکلی از اشکال مخدوش نماید و آن را به نفع استعمار و ارتجاع مشروط نماید و یا هم به طور مستقیم و غیرمستقیم با قرارداد های ظالمانه و اسارتبار مورد معامله قرار گیرد، صلح مورد نیاز مردم ما نیست. هر جریان سیاسی و فردی که در ورای این محتوای اجتماعی و نیاز اساسی مردم ما برای صلح، از صلح دم زنده، به جز از دمسازی با اشغالگران امریکائی - ناتوئی، قبول سیطره ستمگرانه آن ها و ارتجاع بومی و بیرونی، منشاء اثری برای صلح عادلانه نخواهد شد.

از منظر "ساما" صلح عادلانه و پایدار مبتنی بر استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت اجتماعی زحمتکشان کشور، بدون مبارزه، اندیشه، تشکیلات و بسیج عمومی خلق کشور، رایگان به دست نمی آید. باید برای آن رزمید، ابزار آن را تدارک دیده و به تشکل یابی پیشآهنگ و آگاه سازی و انسجام خلق کشور همت گماشت؛ کاری را که "مجید" و همزمانش در زمان خود انجام دادند. این جاست که برمی گردیم به الگوی "مجید". در مقطع و وضعیت اسفبار جاری کشور و مردم افغانستان اشغالی، در مبارزه برای رهائی ملی و اجتماعی توده های ستمدیده خلق کشور، "مجید" در عرصه های پیشتازی، آزادیخواهی، وحدت، سازمان پذیری، صداقت، پاکبازی، جمع گرایی، حفظ منافع ملی، تشکل یابی، اندیشه به خلق، آرمان گرایی مثبت، تهور، خلاف جریان رفتن، تدارک ابزار انقلابی، رزمیدن تا واپسین دم و... سرمشق مبارزه است. باید به این سرمشق چنگ زد و از آن آموخت.

مراجعة جمعی همزمان و دوستداران راستین زنده یاد "مجید" و تمامی روندگان امیدوار و استوار راه آزادی و انقلاب کشور به الگوی "مجید" در عرصه های یاد شده مبارزه انقلابی و رهائیبخش؛ هم پاسخی است به نیاز زمان، هم ادای دین در برابر تمامی رفتگان انقلابی و آزادیخواه و هم بهترین بزرگداشت از "مجید" و کلیه زنده یادان راه آزادی و انقلابی در کشور.

یاد و آرمان "مجید" و کلیه جانبازان و جانباختگان راه آزادی و انقلاب گرامی باد!

مرگ بر قاتلان مجید و سائر فرزندان خلق!

صلح عادلانه، آری! صلح استعماری - ارتجاعی، نه!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۱۸ جوزای ۱۳۹۸ ش/ ۰۸ جون ۲۰۱۹ م